

روش‌شناسی توصیفی تفسیر المیزان بر اساس تحلیل محتوای

سوره ق

حدیث ریاحی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۵

چکیده

از شاخص‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه علوم انسانی، تبیین مباحث روش‌شناسی است. این امر به پژوهشگر کمک می‌کند تا درک بهتری از چگونگی روند مطالعات دینی و زمینه‌های شکل‌گیری متون دینی پیدا نماید و از این رهگذر می‌توان موجبات کشف و استخراج لایه‌های عمیق معنایی آیات قرآن در قالب روش‌های جدید نیز فراهم کرد. این مقاله تلاش می‌کند با استفاده از روش‌شناسی توصیفی و تحلیل محتوای کمی و کیفی، به بررسی تفسیر «المیزان» و توصیف روش آن بپردازد. پژوهشگر با انتخاب سوره ق، به بررسی روش علامه ذیل یکایک گزاره‌های تفسیری آن می‌پردازد؛ و در نهایت با کمک داده‌های آماری، روش علامه در سوره «ق» تحلیل و معرفی شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که علامه جهت تفسیر آیات سوره غافر، از روش اجتهادی نسبت به سایر روش بهره برده است و بیش‌ترین ارقام و اعداد، در تحلیل کمی مربوط به این حوزه است و پس از این حوزه تفسیر قرآن به قرآن (سیاق)، بیش‌ترین بسامد را در گونه‌های تفسیر دارا است.

کلیدواژگان: تفسیر المیزان، تحلیل محتوا، روش‌شناسی توصیفی، سوره ق.

مقدمه

تفسیر «المیزان» به عنوان یکی از مهم‌ترین تفسیرهای قرن اخیر به لحاظ قدرت فکری و وسعت بینش نویسنده آن، مجال واکاوی و قابلیت بررسی ژرفاندیشه‌ای را دارد که می‌توان از طریق آن، به استخراج روش جهت کشف و لایه‌برداری از سطوح مختلف کتاب هدایت راه یافت. به همین دلیل ابزاری سودمند برای تفکر و کار بر روی قرآن کریم به شمار می‌رود (حسینی طهرانی، ۱۳۸۴: ۶۶). بدیهی است هر نوع فعالیت علمی درباره روش‌شناسی به خصوص روش‌شناسی تفسیر «المیزان» که پس از گذشت سالیان، هنوز تازگی آن زدوده نشده، گام شایسته‌ای در جهت رشد و تعالی این مباحث در میان جامعه دانشگاهیان و حوزویان است. در این راستا پژوهش حاضر با واکاوی توصیفی کلام علامه ذیل آیات سوره ق در نحوه مواجهه با آیات قرآن کریم، به استخراج روش ایشان در تبیین معانی آیات پرداخته و با منقح نمودن عملیات تفسیری ایشان، روش ایشان را کشف و معرفی می‌نماید تا در نهایت بتوان به استخراج الگوی ایشان جهت تبیین معانی آیات و پرده‌برداری از سطوح مختلف قرآن دست یافت.

پیشینه بحث

شایان ذکر است به دلیل اهمیت روش‌شناسی کتب تفسیری در مطالعات قرآنی، پژوهش‌های متنوعی در این حیطه انجام شده است به عنوان نمونه تحلیل سوره غافر توسط زهرا محققیان، که به بررسی نوع روش علامه در تفسیر این سوره می‌پردازد. جنبه نوآوری این کاوش در انتخاب سوره مورد پژوهش، سوره ق، می‌باشد، که تا کنون پژوهشی در تحلیل روش تفسیری علامه طباطبایی پیرامون سوره انجام نشده است.

مفهوم شناسی

۱. تفسیر: در مورد تفسیر تعاریف بسیاری ارائه شده است که جامع آن‌ها، عبارت است از «تلاش برای کشف مدالیل کلمات، ترکیبات و جملات قرآن بر پایه کلیه عوامل مؤثر در شکل‌گیری معنای متن قرآن، در حد طاقت بشری و ارائه گزارش تفصیلی فرایند مذکور» (شکرانی، ۱۳۹۱).

۲. روش شناسی توصیفی: روش شناسی تفسیر قرآن از یک منظر به دو قسمت قابل تقسیم است: تجویزی و توصیفی. در روش شناسی توصیفی، بدون آنکه از ابتدا در صدد بیان درستی یا نادرستی روش مفسر باشیم، با بررسی تک تک گزاره‌های تفسیری وی، اقسام روش‌های تفسیری او استخراج و به لحاظ کمی نمایه‌سازی می‌شوند. به عبارت دیگر روش یا روش‌هایی را که مفسر در تفسیر خود به کار گرفته؛ از خود متن تفسیر استخراج، کمی سازی و در نهایت توصیف می‌شوند.

۳. روش شناسی تجویزی: مراد از روش شناسی تجویزی این است که با مطالعه قرآن و روایات و تأمل در روش‌های تفاسیر قرآن و بررسی ادله عقلی و زبان شناسی چگونگی فهم متن، روش یا روش‌های درست تفسیر قرآن، از روش یا روش‌های نادرست شناخته و معرفی گردد. در این روش پژوهشگر با نگاهی که خود از روش‌های درست و نادرست تفسیر دارد؛ به تبیین درستی و یا نادرستی روش مفسر می‌پردازد.

از نگاه برخی دانشمندان علوم قرآنی و مفسران، روش هم ناظر به منبع و ابزاری است که مفسر برای تفسیر آیات از آن استفاده می‌کند و هم دربردارنده مراحل است که مفسر برای رسیدن به مراد آیات طی می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۲).

۴. سیاق: سیاق کلام را به اسلوب سخن و طرز جمله‌بندی معنا کرده‌اند (بابایی، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۱۹). سیاق از نظر برخی، همان قرینه مقالیه یا مصداقی از آن، یا نشانه درون متنی است که ترکیب صدر و ذیل کلام، شکل دهنده آن خواهد بود (ربانی، ۱۳۸۰: ۳۲۳). از نظر محمدباقر صدر، سیاق عبارت است از هرگونه دلالت و نشانه‌ای که با لفظ همراه می‌باشد؛ لفظی که فهم آن مقصود است، خواه آن دال و نشانه لفظی باشد یا آن دال بر نشانه حالی (غیر لفظی) باشد (همان: ۱۲۰). بر اساس تعریف اول، سیاق صرفاً نشانه‌ای لفظی است اما بر اساس تعریف شهید صدر، سیاق صرفاً نشانه‌ای لفظی نیست که مراد ما از سیاق در «المیزان» معنای اول است. (شکرانی، بی تا: ۱۳۹۱).

تحلیل محتوای کیفی المیزان ذیل سوره ق

در ادامه بر اساس تقسیم بندی متمایزی از روش‌های تفسیری رایج، به همراه توضیح مختصری از هر یک، به تحلیل محتوای کیفی تفسیر «المیزان» در سوره ق پرداخته شده:

الف. تفسیر قرآن به قرآن

در این روش هر آیه با تدبیر در آیات دیگر شکوفا می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۱/۱). این روش، خود، گونه‌های مختلفی دارد که برخی آن را به محتوایی و صوری تقسیم کرده‌اند و برای هر یک اقسامی را برشمرده‌اند (بابایی، ۱۳۸۵: ۲۸۶). بر اساس روش شناسی توصیفی مشخص گردید. علامه طباطبایی سوره ق را در ۳۲ مورد با گونه‌های مختلف روش تفسیر قرآن به قرآن تفسیر نموده است. در ابتدا با بیان انواع گونه‌های روش تفسیر قرآن به قرآن، به ذکر نمونه‌هایی از این نوع تفسیر در تبیین سوره ق می‌پردازیم:

۱. تفسیر واژه: علامه طباطبایی به منظور تفسیر واژگان سوره ق، از طرق مختلف بهره گرفته‌اند از جمله تفسیر با کمک سایر واژگان، کتب لغت، سایر تفاسیر و تفسیر با کمک خود آیات قرآن. مورد اخیر، یعنی تفسیر با کمک آیات قرآن - که مورد مطالعه این بخش حاضر است - از طرق مختلف همانند تفسیر واژه با کمک سیاق اطراف آیه و تفسیر واژه با کمک سیاق سایر آیات قابل پیگیری است.

۲. تفسیر عبارت با کمک سیاق: عبارت به کلامی گفته می‌شود که از واژه بزرگ‌تر و از جمله کوچک‌تر باشد اما در عین حال، حاوی یک معنای مشخص و به دور از ابهام است. علامه، در سوره ق برخی عبارات را با کمک روایات و برخی را با کمک سیاق تفسیر کرده است. این سیاق در برخی موارد سیاق اطراف خود عبارت بوده و در برخی موارد، سیاق سایر آیات قرآن کریم است.

۳. تفسیر جمله با جمله: منظور از جمله در اینجا یک جمله کامل است. جمله کامل، برشی از متن است که دست کم از یک مسند یا مسندالیه - که گاهی هر دو یا یکی از آن‌ها محذوف است - تشکیل شده است و هر یک از این دو می‌تواند دارای یک یا چند وابسته بوده و بر پیامی که مخاطب را اقناع نماید، دلالت می‌کند (شکرانی، ۱۳۹۱: ۷۲). علامه طباطبایی در سوره ق ۲۳ مورد به منظور تفسیر یک جمله، از سایر جملات قرآن استفاده کرده است. در برخی موارد این جملات، در سیاق اطراف جمله مورد بررسی قرار داشته و در برخی موارد نیز در سیاق سایر آیات واقع شده‌اند. در تفسیر آیه ۱۷ سوره ق با اشاره به سیاق درون آیه و آیه ۲۴ سوره انفال مفهوم آیه را چنین بیان می‌فرمایند:

«در آیه دیگر قرآن، قریب به این معنا آورده شده است آنجا که می‌فرماید: ﴿أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾ و مراد از "متلقیان" به طوری که از سیاق استفاده می‌شود دو فرشته‌ای است که موکل بر انسان‌اند، و عمل او را تحویل گرفته آن را با نوشتن حفظ می‌کنند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۱۳۱).

علامه در تفسیر آیه ۱۹ سوره ق، ﴿جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾، با اشاره به اینکه مفهوم آن با آیه ۳۵ سوره انبیاء برابری می‌کند می‌فرماید که مسأله مرگ جزء قضا‌های حتمی است که خدای تعالی در نظام عالم رانده، و از خود مرگ غرض و منظور دارد (همان، ج ۴: ۱۵۰).

در آیه ۲۲ سوره ق، ﴿كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾، صرفاً با استفاده از سیاق درون خود آیه چنین می‌فرماید: «و معنای آیه این است که: هر کسی در روز قیامت به محضر خدای تعالی حاضر می‌شود، در حالی که سائقی با او است که او را از پشت سر می‌راند و شاهدهی همراه دارد که به آنچه وی کرده گواهی می‌دهد. ولی در آیه شریفه تصریح نشده که این سائق و شهید ملائکه‌اند یا همان نویسندگان‌اند و یا از جنس غیر ملائکه‌اند، چیزی که هست از سیاق آیات چنین به ذهن می‌رسد که آن دو از جنس ملائکه‌اند، و به زودی روایاتی در این باب خواهد آمد» (همان، ج ۴: ۱۶۱).

ب. تفسیر روایی

روایات پس از قرآن کریم در سنت اسلامی، از اهمیت ممتازی برخوردار است. به همین دلیل علامه طباطبایی نیز در تفسیر خویش، بخشی را به بحث روایی اختصاص داده و علاوه بر گزارش روایات، گاه به نقد و ارزیابی آن‌ها نیز پرداخته است، اما روایات تفسیری انواع و گونه‌های مختلفی دارند که از نگاه برخی روش پژوهان برخی از آن‌ها عبارت‌اند از روایت بیانگر مصادیق، روایات بیانگر مفاد آیات و روایات بیانگر بطن و تأویل (بابایی، ۱۳۸۵: ۲۹۱-۲۸۷). به طور کلی علامه در ذیل سوره غافر در موارد متعددی از روایات برای تفسیر واژگان یا عبارات و یا جملات سوره ق بهره برده؛ اما تنها در ۴ آیه با ذکر ۷ روایت پیرامون این آیات، با توجه به معیارهای مختلف خویش، این روایات را قابل پذیرش می‌داند.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۵ سوره ق، ﴿أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ...﴾، با بیان بحث روایی و با استفاده از تفسیر مآثور چنین می‌فرماید: «در کتاب توحید به سند خود از عمرو بن شمر، از جابر بن یزید روایت کرده که گفت: من از امام ابی جعفر (ع) پرسیدم: آیه شریفه ﴿أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ چه معنا دارد؟ حضرت فرمود: ای جابر، تأویل این آیه چنین است که وقتی این عالم و این خلقت فانی شود، و اهل بهشت در بهشت و اهل آتش در آتش جای گیرند، خدای تعالی دست به خلقت عالمی غیر این عالم می‌زند، و خلقتی جدید می‌آفریند، بدون اینکه مرد و زنی داشته باشند، تنها کارشان عبادت و توحید خدا است، و برای‌شان سرزمینی خلق می‌کند غیر از این زمین تا آن خلایق را بر دوش خود بکشد، و آسمانی برای‌شان خلق می‌کند غیر از این آسمان، تا بر آنان سایه بگستراند و شاید تو خیال می‌کردی خدا تنها همین یک عالم را خلق کرده، و یا می‌پنداشتی که غیر از شما دیگر هیچ بشری نیافریده. به خدا سوگند هزار هزار عالم، و هزار هزار آدم آفریده که تو فعلاً در آخرین آن عوالم هستی، و در دودمان آخرین آن آدم‌ها قرار داری» (همان، ج ۴: ۷۲).

در تفسیر آیه ۲۱ سوره مذکور با اشاره به جمله‌ای از فرمایشات حضرت علی (ع) می‌فرماید: «در نهج البلاغه در معنای آیه ﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ آیه ۲۱ سوره مذکور فرموده: «سائقی که او را به سوی محشر می‌برد، و شاهدی که علیه او به آنچه کرده است شهادت می‌دهد» و در تفسیر قمی در ذیل آیه ﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ می‌گوید: «این استفهام از این جهت شده که خدای تعالی وعده داده بود جهنم را پر کند و جهنم مالا مال آتش شود. از او می‌پرسد آیا پر شده‌ای؟ او می‌پرسد: مگر باز هم هست؟ و منظورش این است که دیگر جای خالی ندارم» (همان، ج ۴: ۱۵۹).

ج. تفسیر عقلی

منظور از آن تفسیر قرآن با استفاده از عقل است؛ یعنی مراد الهی با استدلال و برهان معلوم می‌شود (مؤدب، ۱۳۹۰: ۱۲۵). به بیان دیگر در این دسته از آیات، بدیهیات عقلی و برهان‌های قطعی برگرفته از عقل، قراین متصل آیات به شمار رفته و عقل به عنوان یک

منبع و نیروی ودیعه شده در انسان، این قراین را در اختیار آدمی قرار می‌دهد. بنابراین عقل از منابع تفسیر به شمار رفته و تفسیر عقلی یکی از روش‌های تفسیر قرآن معرفی می‌شود (بابایی، ۱۳۸۵: ۳۱۱).

از نگاه برخی، نقش عقل در تفسیر قرآن، در چهار محور متصور است: سلبی، ایجابی، تبیینی و توضیحی و کشف استلزامات (همان: ۳۱۴-۳۱۱). با تفحص در روش علامه در تفسیر سوره ق این نکته به دست می‌آید که ایشان در ۳۲ مورد، در ذیل آیات سوره ق، با استفاده از عقل و براهین عقلی، به تبیین و توضیح آیات پرداخته‌اند. در ادامه به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازیم:

در آیه ۱۱ سوره ق خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَحْيَيْنَاهُ بَلَدَةً بَلَدَةً مِّثْلَ ذَلِكَ الْخُرُوجِ﴾، علامه طباطبایی با اجتهاد خویش به بیان مفهوم آیه می‌پردازد. ایشان می‌فرمایند: «و جمله ﴿وَأَحْيَيْنَاهُ بَلَدَةً بَلَدَةً مِّثْلَ ذَلِكَ الْخُرُوجِ﴾ برهانی برای مسأله بعث و معاد است، برهانی است که علیه ادعایی اقامه می‌شود که منکرین معاد صریحاً آن ادعاء را نکرده بودند، بلکه از طی کلامشان استفاده می‌شود، و آن این است که اصلاً زنده شدن مردگان امکان ندارد و در این جمله با اثبات امکان آن از راه نشان دادن نمونه‌ای که همان زنده کردن گیاهان بعد از مردن آن‌ها است اثبات می‌کند که پس چنین چیزی ممکن است، زیرا زنده کردن مردگان عیناً مثل زنده کردن گیاهان در زمین است، بعد از آنکه مرده و از رشد افتاده‌اند. ولی برهان قبلی معاد را از راه اثبات علم و قدرت خدای تعالی اثبات می‌کرد، و استبعاد و تعجب کفار را رد می‌نمود» (همان، ج ۴: ۴۵).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۶ سوره ق با روش عقلی مفهوم آیه را چنین بیان می‌نماید: «و مراد از خلقت انسان، وجود تدریجی او است که مدام تحول می‌پذیرد و وضع جدید به خود می‌گیرد، نه تنها تکوین در اول خلقتش. هرچند که تعبیر در آیه تعبیر گذشته است، چون فرموده ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ﴾: «ما انسان را خلق کردیم» ولی از آنجایی که انسان - و همچنین هر مخلوق دیگر که حظی از بقا دارد - همانطور که در ابتدای به وجود آمدنش محتاج به پروردگار خویش است، همچنین در بقاء خود نیز محتاج به عطای او است». ایشان معتقد است که در آیه مذکور به خفی‌ترین اصناف علم اشاره شده است تا بفهماند که علم خدای تعالی همه چیز را فرا گرفته است (همان، ج ۴:

۳۶). علامه طباطبایی در تفسیر عبارت «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»، در بخش انتهایی آیه ۱۶، با استفاده از همین گونه تفسیری (عقلی) مفهوم آیه را چنین بیان می‌کنند: «این جمله می‌خواهد مقصود را با عبارتی ساده و همه کس فهم ادا کرده باشد و گرنه مسأله نزدیکی خدا به انسان مهم‌تر از این و خدای سبحان بزرگ‌تر از آن است، برای اینکه خدای تعالی کسی است که نفس آدمی را آفریده و آثاری برای آن قرار داده، پس خدای تعالی بین نفس آدمی و خود نفس، و بین نفس آدمی و آثار و افعالش واسطه است، پس خدا از هر جهتی که فرض شود و حتی از خود انسان به انسان نزدیک‌تر است» (همان، ج ۴: ۳۷).

د. روش تفسیر شهودی

مقصود از تفسیر شهودی، تفسیر قرآن با استناد به شهودات و مکاشفات غیبی است که برای مفسر حاصل می‌شود. بنابراین، آن قسم از تفاسیر باطنی و عرفانی که منبع مفسر از داده‌های تفسیری او، مکاشفات غیبی شخصی خویش یا حداقل منقول از دیگران نیست در این قسم داخل نمی‌شود و بیان یا نقل مباحث عرفانی بعضاً در استلزامات عقلی و برخی داخل در دیگر اقسام تفاسیر به اعتبار منبع می‌گردند (شکرانی، ۱۳۹۱). از آنجا که روش فوق در تفسیر «المیزان» ذیل سوره ق به کار نرفته، از بررسی جزئیات آن خودداری و به همین میزان، اکتفا می‌شود.

ه. روش تفسیر ادبی

مقصود از این روش، تفسیر با کمک منابع زبانی اعم از صرف و نحو و کتب لغت است. بر این اساس هرگونه منبعی که مفسر را در فهم معنای واژگان، عبارات و جملات قرآن در زمان نزول یاری دهد؛ اعم از قرآن مجید، روایات، سخن صحابه، فرهنگ عامه مردم در عصر نزول، همه از منابع زبانی تفسیر به شمار می‌آیند و به این معنا که با مراجعه به آنها، معانی و کاربردهای واژه‌ها و علامات قرآنی در عصر نزول روشن می‌گردد. شایان ذکر است که قرآن و روایات و سخن صحابیان، گاه در فهم مقاصد قرآن و گاه در فهم کاربردهای واژگان قرآن استفاده می‌کنیم. آن چه در این روش مد نظر است، نوع دوم

است. با دقت در روش علامه در تفسیر سوره ق این نکته به دست می‌آید که ایشان در تفسیر واژگان، عبارات و جملات ۲۱ با کمک مباحث زبانی (صرف و نحو) و ۷ مرتبه از منابعی مانند کتب، لغت، تفاسیر مختلف و سایر واژگان بهره برده است که به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱- در آیه ۱۵ سوره ق خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾، در این آیه علامه با استفاده از کتب لغت و قواعد دستوری زبان عربی به معنای واژه «أَفَعَيَّبْنَا» می‌پردازد. ایشان می‌فرماید: «کلمه "عی" که مصدر "عیینا" است- به طوری که راعب می‌گوید- به معنای ناتوانی و کسالتی است که بعد از انجام کاری و یا سخنرانی عارض می‌شود. وقتی می‌گوییم: "أعیانی کذا" و یا "عییت بکذا" معنای اولی این است که فلان کار مرا خسته کرد، و دومی این است که من از فلان کار خسته شدم» (همان، ج ۴: ۴۲).

۲- در آیه ۳۲ سوره ق، خداوند می‌فرماید: ﴿هَذَا مَا تُوَعَّدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ﴾، در این آیه علامه با بهره از علم صرف به تبیین لغات و در نهایت تفسیر و ترجمه سوره می‌پردازد. علامه می‌فرماید: «کلمه "هذا" اشاره به ثوابی است که قبلاً وعده‌اش را داد. و کلمه "أواب" از ماده "اوب" است که معنای رجوع را می‌دهد، و اگر آن را به صیغه مبالغه آورد و فرمود: این بهشتی که وعده داده شده‌اید، برای هر کسی است که بسیار رجوع کند. منظورش بسیار رجوع کردن به توبه و اطاعت است. و کلمه "حفیظ" به معنای آن کسی است که در حفظ آنچه خدا با او عهد کرده مداومت دارد، و نمی‌گذارد عهد خدا ضایع و متروک شود. و جمله "لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ" خبر دومی است برای کلمه "هذا" و یا حال است» (همان، ج ۴: ۹۴).

و. روش تفسیر علمی

در قرآن مجید از انواع پدیده‌های طبیعی همانند آسمان‌ها و زمین و چگونگی آفرینش آن‌ها و سایر پدیده‌های آسمانی و زمینی سخن به میان آمده است. همچنین انسان به عنوان یک موجود ممتاز که از کرامت و خلافت الهی برخوردار است، به لحاظ بعد جسمانی و نیز ابعاد روحانی و جسمی روح و بدن و نیز ابعاد فردی و اجتماعی آن،

مورد توجه فراوان قرار داشته و در آیات بسیاری از او سخن به میان آمده است. به همین دلیل دستاوردهای تجربی در مورد موضوعی که در این نوع آیات مطرح شده‌اند در صورت برخورداری از اعتبار لازم، باید در فهم و تفسیر آیات به عنوان یکی از منابع تفسیری، مورد استفاده و توجه مفسر قرار گیرند (بابایی، ۱۳۸۵: ۳۱۵). بنابراین یکی از روش‌های تفسیر آیات قرآن کریم، تفسیر با کمک منابع علمی معتبر و دستاوردهای تجربی قطعی و مورد اطمینان بشر در زمینه‌های مختلف است. از آنجا که روش فوق در تفسیر «المیزان» ذیل سوره ق به کار نرفته، از بررسی جزئیات آن خودداری و به همین میزان اکتفا می‌شود.

نتیجه بحث

هدف پژوهش حاضر تحلیل رفتار تفسیری علامه و روش او جهت تبیین آیات سوره ق بوده است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل تلخیصی، به بررسی روش تفسیری علامه در سوره ق به عنوان یک مورد از کل سوره‌های قرآن پرداخته شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که علامه طباطبایی جهت انجام امر تفسیر و ایفای حق آن، به منابع مختلفی همانند قرآن، روایات، عقل، علوم مختلفی و مباحث ادبی توجه کرده است که این تفاوت بیش از هر چیز به ماهیت متفاوت این منابع مربوط می‌شود. در این میان، به دلیل آگاهی از جریان‌های فکری موجود و نیاز مبرم جامعه به مباحث عقلی، از عقل و کاوش‌های عقلی، نسبت به سایر منابع تفسیر، بهره بیش‌تری برده و در اکثر موارد با کمک اجتهاد خویش در مباحث کلامی و فلسفی به تبیین و واکاوی آیات الهی پرداخته است. نتیجه حضور مفسر در عرصه تفکر زمان خویش و آگاهی از جریان‌های فکری موجود در آن دوران، سبب اصلی انعکاس نیاز اساسی زمان در تفسیر «المیزان» است و ایشان نسبت به گفتمان معرفت‌شناسانه معاصر دوران خویش، که معمولاً در سطح اندیشه‌وران هر حوزه جریان دارد، کاملاً فعالانه برخورد کرده است. از این رو آنچه امروزه از آن به تفسیر عقلی تعبیر می‌شود در تفسیر «المیزان» ذیل آیات سوره ق بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت با توجه به تصادفی بودن انتخاب

نمونه (سوره ق) شاید بتوان نتایج این پژوهش را به کل تفسیر «المیزان» تعمیم داد و از منظر ایشان، کاوش عقلی را، مهم‌ترین عامل جهت تبیین معانی آیات، معرفی نمود.

کتابنامه

قرآن کریم

- بابایی، علی اکبر. ۱۳۸۵ش، روش شناسی تفسیر قرآن، ج ۲، تهران: سمت.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش، تسنیم، قم: اسراء.
- حسینی طهرانی، سید محمد حسین. ۱۳۸۴ش، مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ علامه محمد حسین طباطبایی تبریزی، قم: ملکوت قرآن.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. ۱۳۸۵ش، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شکرانی، رضا. ۱۳۹۱ش، درسگفتار بررسی و نقد مکاتب و روش‌های تفسیری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مؤدب، سید رضا. ۱۳۹۰ش، روش‌های تفسیر قرآن، قم: دانشگاه قم.

مقالات

- ربانی، محمد حسن. ۱۳۸۰ش، «نقش سیاق در تفسیر»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۸-۲۷، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی.
- شاکری، سیمین دخت. ۱۳۸۱ش، «نقش سیاق در تفسیر جامع البیان عن تأویل ای القرآن»، علوم انسانی، شماره ۴۱، صص ۲۲۲-۲۰۳.

Bibliography

- The Holy Quran.
- Babaei, Ali Akbar. 2006, Methodology of Quran Interpretation, Vol. 2, Tehran: Samt.
- Javadi Amoli, Abdullah 1388, Tasnim, Qom: Isra '.
- Hosseini Tehrani, Seyed Mohammad Hossein., Mehr Taban: Memoirs and Interviews of Allama Mohammad Hossein Tabatabai Tabrizi, Qom: The Kingdom of the Quran.
- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali., Logic of Quran Interpretation, Volume 2, Qom: World Center of Islamic Sciences.
- Shokrani, Reza 2012, Lecture on Review and Critique of Schools and Interpretive Methods, Isfahan: University of Isfahan.
- Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1417, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Islamic Publications Office.
- Modab, Seyed Reza. 1390, Methods of Quran Interpretation, Qom: Qom University.

Articles

- Rabbani, Mohammad Hassan, "The Role of Context in Interpretation", Quranic Research, No. 28-27, Mashhad, Islamic Development Office.
- Shakeri, Simin Dokht. 2002, "The role of context in the comprehensive interpretation of the statement on the interpretation of the Qur'an", Humanities, No. 41, pp. 222-203.

Descriptive Methodology of Al-Mizan Interpretation based on Content Analysis of Qaaf Surah

Hadis Riyahi: Graduate, Quran & Hadith Sciences, Institute for Humanities and Cultural Studies

Abstract

One of the most significant factors influencing the development of humanities is the explanation of methodological issues. This helps the researcher to better understand the process of religious studies and the context of the formation of religious texts, and through this can lead to the discovery and extraction of deep semantic layers of Qur'anic verses in the form of new methods. This article tries to study the interpretation of "Al-Mizan" and describe its method using descriptive methodology and quantitative and qualitative content analysis. By choosing Qaaf Surah, the researcher examines the method of the following Allameh and its interpretive propositions; Finally, with the help of statistical data, Allameh's method has been analyzed and introduced in Qaaf Surah. The findings of this study indicate that Allameh has used ijthihad method to interpret the verses of Qaaf Surah compared to other methods and most of the figures are in quantitative analysis related to this field and after this field the interpretation of Quran to Quran (context) has the highest frequency in the types of interpretation.

Keywords: Al-Mizan interpretation, content analysis, descriptive methodology, Qaaf Surah.